

سخنرانی نماینده ایران در سازمان ملل در واکنش به قطعنامه ۱۸۰۳

جامعه بین‌المللی امروز یک بار دیگر شاهد این واقعیت تلخ است که اعتبار شورای امنیت که مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد به آسانی تاحد تبدیل شدن به ابزاری صرف درسیاست خارجی چند کشور معدود تنزل یافته است. شورا یک بار دیگر جهت اتخاذ اقدامی غیرقانونی علیه ملتی سرافراز و مصمم مورد سوء استفاده قرار گرفته است، تنها به این دلیل که آن ملت از حقوق قانونی و لاینفک خود طبق معاهدات بین‌المللی دفاع می‌کند.

اقدام امروزچند عضو شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران، به همراه دیگر اقداماتی که در گذشته در این زمینه اتخاذ شده است، به دلایل زیر، از کمترین میزان مشروعیت و جاهت قانونی برخوردار نیست:

۱. ارجاع برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران به شورای امنیت در تناقض آشکار با اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صورت گرفت. ایران موافقت‌نامه جامع پادمانه‌های NPT را نقض نکرده بود و بنابراین به تعهداتش کاملاً پایبند بوده است. ایران پروتکل الحاقی را در سال ۲۰۰۳ امضاء و آن را به مدت دو سال و نیم به طور داوطلبانه اجرا کرد و بنابراین تا قبل از سال ۲۰۰۳ ملزم به اجرای مفاد آن نبوده است. همچنین کشور ما کد تعدیل شده ۳/۱ ترتیبات فرعی را در سال ۲۰۰۳ پذیرفت و تا پیش از آن تاریخ تعهدی نسبت به اجرای کد مزبور (گزارش دهی درباره تاسیسات هسته‌ای) نداشت. بنابراین، ایران طبق موافقت‌نامه جامع پادمانه‌ها، ملزم به مطلع کردن آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، تنها ۱۸۰ روز قبل از وارد کردن مواد به تاسیسات بوده است. ما با دعوت از مدیرکل آژانس در سال ۲۰۰۰، این نهاد را درباره تاسیسات تبدیل اورانیوم (UCF) مطلع کردیم، یعنی ۴ سال قبل از شروع به کار این تاسیسات آژانس را درباره آن مطلع نموده بودیم. به عبارت دیگر و در واقع ایران چهار سال قبل از موعد مقرر این کار را انجام داد.

۲. برنامه هسته‌ای ایران کاملاً صلح‌آمیز بوده، می‌باشد و خواهد ماند و به هیچ وجه تهدیدی را متوجه صلح و امنیت بین‌المللی نمی‌نماید و بنابراین درحیطه اختیارات شورای امنیت قرار نمی‌گیرد. شواهدی محکم و دلایل عینی وجود دارد

که ماهیت منحصرأ صلح آمیز برنامه هسته‌ای ایران را اثبات می‌نماید، از جمله اینک‌ه :

الف- ماهیت صلح آمیز برنامه هسته‌ای ایران در تمام گزارش‌های آژانس در طی سال‌های متمادی تایید شده است، از جمله در آخرین گزارش آژانس مزبور که تاکید می‌کند " آژانس توانسته است عدم انحراف مواد هسته‌ای اظهار شده در ایران را راستی آزمایی نماید. ایران دسترسی آژانس به مواد هسته‌ای اظهار شده و همچنین گزارش‌های حسابرسی لازم درباره مواد هسته‌ای را برای آژانس فراهم نموده است." به عنوان مثال، در گزارش ۲۲ فوریه ۲۰۰۸، آژانس به روشنی به ماهیت منحصرأ صلح آمیز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در گذشته و حال گواهی می‌دهد. این گزارش قویا و بدون تردید، موضع همیشگی کشور ما مبنی بر بی اساس بودن اتهامات چند کشور معدود علیه برنامه صلح آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را تایید می‌نماید. در برنامه کاری که در اوت ۲۰۰۷ میان ایران و آژانس منعقد شد، تاکید شده است که "آژانس توانسته است عدم انحراف مواد هسته‌ای اظهار شده در تاسیسات غنی سازی در ایران را راستی آزمایی نماید و بنابراین نتیجه گیری نموده است که آن تاسیسات مورد استفاده صلح آمیز می‌باشند."

ب- براساس مبانی اعتقادی و استراتژیک، ایران قاطعانه و صریحا با توسعه، انباشت و استفاده از تسلیحات هسته‌ای و همچنین دیگر سلاح‌های کشتار جمعی مخالف بوده و آن را رد می‌کند. این موضع بنیادین به کرات توسط تمام مقامات عالی رتبه ایران در مناسبت‌های مختلف مورد تاکید قرار گرفته است. رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران که قبلا به صراحت این موضع را از طریق صدور فتوا (حکم مذهبی) اعلام نموده بودند مجددا در طی دیدار اخیر البرادعی با ایشان در تهران بر این موضع تاکید فرمودند. ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران نیز همواره بر مخالفت ایران با سلاح‌های هسته‌ای تاکید و این موضوع را خاطر نشان کرده اند که کشور ما همواره در تلاش‌های بین المللی در مخالفت با تسلیحات هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی پیشرو بوده و می‌باشد.

ج - مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی در اظهارات مختلف خود گفته است که " آژانس هیچ اطلاعات یا شواهدی که حاکی از تلاش ایران برای توسعه تسلیحات هسته‌ای

باشد در دست ندارد". همچنین، وی گفته است "هیچ گونه شواهدی مبنی بر اینکه غنی سازی اورانیوم ایران برای یک برنامه هسته‌ای نظامی منظور شده باشد، وجود ندارد". متعاقب انتشار ارزیابی اطلاعاتی آمریکا که بسیاری از اتهامات بی اساس قبلی خود علیه برنامه هسته‌ای ایران را پس گرفت، مدیرکل آژانس تاکید نمود که "حقانیت ایران در تاکید بر اینکه بر روی یک برنامه تسلیحاتی کار نمی‌کند، اثبات شده است."

۳. به علاوه، یکی دیگر از دلایل غیر قابل توجیه بودن اقدامات شورای امنیت این است که بهانه اصلی که بر مبنای آن برنامه هسته‌ای صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران به شورا تحمیل گردیده، یعنی مسائل باقی مانده، اکنون حل و فصل و بسته شده‌اند. بانیان قطعنامه فعلی، در گذشته استدلال می‌کردند که برنامه هسته‌ای ایران به سبب حل و فصل نشدن مسائل باقی مانده باید توسط شورای امنیت مورد بررسی قرار گیرد. در راستای نهایت همکاری با آژانس و مرتفع شدن این بهانه و پایان دادن به این جنجال تبلیغاتی بی اساس، ایران که همواره با آژانس با نهایت جدیت و صداقت همکاری کرده است، توافق نمود که برای حل و فصل مسائل باقی مانده با آژانس در چارچوب یک برنامه کاری اقدام نماید. در این زمینه، متن "تفاهات جمهوری اسلامی ایران و آژانس درباره نحوه حل و فصل مسائل باقیمانده" مورد مذاکره قرار گرفته و در اوت ۲۰۰۷ منعقد شد.

۴. انعقاد برنامه کاری که توسط مدیرکل آژانس به عنوان "یک گام روبه جلوی قابل توجه" توصیف شده است، نقطه عطفی اساسی در همکاری جمهوری اسلامی ایران با آژانس بود. همین بانیان قطعنامه امروز، ابتدا با بدبینی و عیب جویی تلاش نمودند اهمیت ابتکار ایران را تحت الشعاع قرار دهند و وقتی موفق به انجام چنین کاری نشدند، از هیچ تلاشی برای ایجاد انواع مشکلات به منظور جلوگیری از اجرای موفق این طرح کاری فروگذار نکردند و حتی سعی کردند تا سرحد امکان این روند را سیاسی کنند. اظهارات مقامهای آژانس و انتقاد آنها مبنی بر اینکه "آمریکا تلاشی عمدی را برای خراب کردن همکاری ایران و آژانس شروع کرده است"، در این زمینه کاملاً قابل توجه است. این چند کشور معدود انگیزه‌های سیاسی خاص خود را بدون توجه به همکاری ایران با آژانس و گزارشهای بعدی آژانس درباره این

همکاری‌ها دنبال کرده‌اند. تلاشهای غیر قابل قبول آنها برای تحت فشار قرار دادن آژانس و مسئولان آن و سعی این کشورها در اعمال نفوذ بر گزارشهای آژانس معروف بوده و نیازی به توضیح آنها نیست.

۵. با وجود همه این اقدامات و سیاستهای شیطنت آمیز توسط کشورهای مذکور، ما با عزم راسخ، جدیت و صداقت برنامه کاری را اجرا نمودیم. حتی برخی مسائل باقی مانده، در حین مذاکرات درباره برنامه کاری، حل و فصل شدند. بعنوان نمونه، در ۲۰ اوت ۲۰۰۷، یعنی قبل از انعقاد برنامه کاری، آژانس اعلام نمود "اظهارات پیشین ایران درباره موضوع پلوتونیوم با یافته‌های آژانس همخوانی دارند و بنابراین این موضوع حل شده تلقی می شود." علاوه بر آن، گزارش آژانس در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۷ بر حل و فصل اغلب مسائل باقی مانده تاکید نمود و در نهایت گزارش اخیر آژانس که در تاریخ ۲۲ فوریه ۲۰۰۸ توزیع شد، به وضوح حل و فصل و بسته شدن تمام مسائل باقی مانده را اعلام و در بند ۵۳ گزارش تاکید نموده "آژانس توانسته است نتیجه گیری کند که پاسخ های ارائه شده توسط ایران، طبق برنامه کاری، با یافته های آژانس همخوانی دارند" و "آن مسائل را دیگر به عنوان مسائل باقی مانده تلقی نمی کند". همچنین مدیرکل آژانس حل و فصل تمام مسائل باقی مانده را طی اظهارات خود پس از گزارش آژانس اعلام نموده و در این زمینه گفت: "ما توانسته ایم تمامی موضوعات باقی مانده، از جمله مهمترین موضوع که دامنه و ماهیت برنامه غنی سازی ایران می باشد را روشن نماییم". درحالی که ارزیابی ها حکایت از آن داشت که برای اجرای طرح کاری ۱۸ ماه زمان لازم است، اما همکاری کامل و مصمم ایران با آژانس سبب شد که برنامه اقدام ظرف مدتی کمتر از شش ماه به طور کامل اجرا شود.

۶. شایان ذکر است که بر اساس توافق اولیه با آژانس، ما صرفا موظف به رسیدگی به موضوعات باقی مانده از گذشته بودیم. اما به عنوان نشانه حسن نیت و در راستای همکاری مستحکم خود با آژانس، جمهوری اسلامی ایران، موضوعات کنونی را نیز مورد بررسی قرار داد. در نتیجه، دو سند مهم حقوقی، یعنی "سند رهیافت پادمانها" و "ضمیمه تاسیسات" درباره کارخانه غنی سازی سوخت در نطنز مورد مذاکره و توافق قرار گرفته و از تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۷ به مرحله اجرا گذاشته

شدند. در نتیجه، اجرای این اسناد تضمینهای لازم را برای راستی آزمایشی فعالیتهای غنی سازی در ایران برای حال و آینده فراهم نموده است.

۷. اینک، که از یک سو مسائل باقی مانده مربوط به فعالیتهای گذشته ایران حل و فصل شده، و از طرف دیگر، انجام فعالیتهای کنونی ایران از جمله غنی سازی تحت نظارت کامل و مستمر آژانس بر مبنای اساسنامه آژانس، معاهده NPT و موافقت نامه پادمانها صورت می گیرد، کشور ما هر گونه به اصطلاح "نگرانی" یا "ابهام" درباره فعالیتهای صلح آمیز هسته‌ای خود در گذشته و آینده را مرتفع کرده است.

۸. اینک که "طرح اقدام" به طور کامل اجرا شده و مسائل باقیمانده حل شده اند قطعاً هیچ بهانه و توجیهی برای ادامه ادعای مغرضانه سیاسی و فریبکارانه چند کشور خاص که تعداد آنها از میان مجموع ۱۹۲ عضو سازمان ملل متحد به سختی بالغ بر چهار کشور می شود، اما به دروغ خود را سخنگوی جامعه جهانی معرفی می کنند، وجود ندارد که ادعا کنند نسبت به برنامه هسته ای ایران "کمبود اعتماد" وجود دارد!

۹. یقیناً، کسانی که نمی‌خواهند آژانس را به حال خود واگذارند تا وظایف فنی خود را ایفا نماید، از هیچ تلاشی برای تضعیف فضای مثبت به وجود آمده در اثر انعقاد و اجرای کامل برنامه کاری دریغ نکردند و در این زمینه به یک هجمه گسترده تبلیغاتی همراه با ادعاهای جعلی، ارباب و فشار علیه آژانس، مدیرکل آن، برخی اعضای شورای امنیت و برنامه کاری متوسل شدند. این هجمه تبلیغاتی مغرضانه و ناسالم حتی سبب شد تا یکی از مقامهای ارشد آژانس تاکید کند که "از سال ۲۰۰۲، بسیاری از اطلاعاتی که از سوی آمریکا به آژانس رسیده، غلط از آب درآمده است". موضوع به اصلاح "مطالعات ادعایی" نمونه ای از این تبلیغات بی اساس و ارائه اطلاعات نادرست است.

۱۰. در حالی که اتهام بی اساس مربوط به "مطالعات ادعایی" مزبور یک موضوع باقیمانده میان ایران و آژانس نبوده، ولی به عنوان یک هجمه تبلیغاتی از قبل طراحی شده حتی قبل از انتشار گزارش اخیر آژانس به کار افتاد تا دستاور عظیم ناشی از همکاری ایران با آژانس در حل مسائل باقیمانده را تحت الشعاع قرار دهد. همانگونه که در طرح کاری نیز آمده است "ایران تاکید نمود که مطالعات ادعایی را

اتهاماتی با اغراض سیاسی و بی اساس می داند، اما به نشانه حسن نیت و در راستای همکاری با آژانس اعلام نمود که بعد از دریافت مدارک مربوطه نسبت به بررسی آنها و ارائه ارزیابی خود اقدام خواهد نمود."

۱۱. گزارشهای آژانس به ویژه گزارش اخیر این نهاد و اظهارات مقامهای آژانس مزبور به روشنی حکایت از آن دارد که ملت ایران به تعهدات بین المللی خود پایبند بوده و در عین حال بر پیگیری و اعمال حقوق مسلم و قانونی خود مصرانه پافشاری می نماید. گزارش اخیر آژانس به وضوح تاکید می کند که همکاری ایران با آژانس بسیار فراتر از تعهدات قراردادی کشور ما بوده و فعالانه صورت گرفته است. گزارش مزبور در پاراگراف ۵۵ خود آورده است "آژانس اخیرا از ایران اطلاعاتی اضافی دریافت نمود که مشابه آن چیزی است که ایران قبلا بر مبنای پروتکل الحاقی ارائه کرده بود و همچنین این کشور اطلاعات مربوط به طراحی را به آژانس ارائه کرده است. در نتیجه آگاهی آژانس درباره برنامه هسته ای اعلام شده جاری ایران روشنتر از قبل شده است."

۱۲. مدیرکل آژانس یکبار دیگر در اظهارات خود که پس از انتشار گزارش اخیر وی صورت گرفت بر همکاری جدی و کامل ایران با آژانس تاکید نموده و گفت: "ایران در چند ماه گذشته اجازه بازدید از بسیاری از تاسیسات در ایران را به ما داده است که این امر آژانس را قادر می کند تصویر بهتری از برنامه هسته ای فعلی ایران داشته باشد."

۱۳. آژانس در گزارش اخیر خود همچنین در مواردی متعدد از جمله در پاراگرافهای ۱۱، ۱۸، ۲۴، ۳۴ و ۵۳ بر این نتیجه گیری که "اظهارات ایران با اطلاعات موجود نزد آژانس همخوانی دارد" یا "این اطلاعات با یافته های آژانس ناهمخوانی ندارد"، تاکید کرده است.

۱۴. بدون شک، اجرای کامل طرح کاری و بنابراین حل و بسته شدن مسائل باقیمانده، تمام بهانه ها و اتهاماتی را که براساس آنها برنامه هسته ای صلح آمیز ایران به شورای امنیت ارجاع شد، از میان برده است.

۱۵. درگیر شدن شورای امنیت در این موضوع و اقداماتی که تاکنون در این زمینه اتخاذ کرده است غیر قابل توجیه و ناعادلانه بوده و تنها سبب ضربه به اعتبار آژانس

بین المللی انرژی اتمی شده است. برنامه هسته‌ای صلح آمیز ایران باید صرفاً توسط آژانس پیگیری شود. در همین خصوص مایلم توجه شما را به این نکته بسیار مهم جلب نمایم که براساس آخرین پاراگراف طرح کاری "آژانس و جمهوری اسلامی ایران توافق کردند که بعد از اجرای طرح کاری و مدالتی مورد توافق برای حل مسائل باقیمانده، اجرای پادمانها در ایران طبق رویه معمولی صورت خواهد گرفت." بنابر این بررسی برنامه هسته‌ای صلح آمیز ایران به هیچ وجه در حیطه صلاحیت شورای امنیت نیست. در واقع و بر مبنای گزارشهای آژانس و در نتیجه همکاری ایران و بسته شدن تمام مسائل باقیمانده نه تنها حتی یک دلیل و یا کوچکترین مشروعیتی برای اقدام جدید شورای امنیت علیه ایران وجود ندارد، بلکه غیر قانونی بودن اقدامات قبلی شورای امنیت نیز بیش از هر زمان دیگری آشکار شده است.

آقای رئیس؛

تبلیغات زیادی درباره درخواست غیر قانونی تعلیق صورت گرفته است. جمهوری اسلامی ایران درخواستی را که از لحاظ حقوقی بی مبنا و مخدوش و از لحاظ سیاسی زورگویانه است، نخواهد پذیرفت. تاریخ بر این امر گواه است که هیچ میزان از فشار، ارباب و تهدید قادر نخواهد بود ملت ما را مجبور کند که دست از حقوق اساسی و قانونی خود بردارد. ملت ما هیچگاه سعی نکرده است خواسته های خود را بر دیگران تحمیل کند و متقابلاً هیچگاه به کسی اجازه نداده تا خواسته های نا عادلانه خود را بر این ملت تحمیل نماید. ما درخواست برای تعلیق را مشروع نمی دانیم و در میان دلایل متعدد می توان از جمله به دلایل ذیل در این زمینه اشاره کرد:

۱. همانگونه که بارها تاکید کرده ایم هیچ دولتی نمی تواند اعمال حقوق مسلم ملت خود را تعلیق کند. هر گونه درخواستی از ملتها جهت تعلیق حقوق مسلم خود از نظر سیاسی غلط و از لحاظ حقوقی مخدوش خواهد بود.
۲. نه در اساسنامه آژانس، نه در موافقت نامه پادمان و نیز نه در پروتکل الحاقی، در هیچکدام از آنها غنی سازی و بازفرآوری ممنوع نشده و حتی محدودیتی نیز برای سطح و میزان غنی سازی ذکر نشده است.

۳. در تمام قطعنامه های شورای حکام آژانس، تعلیق به عنوان یک "اقدام غیر الزام آور از نظر حقوقی، داوطلبانه و اعتماد ساز" تلقی شده بود.
۴. تعلیق قبلا برای بیش از دو سال انجام شده و آژانس در تمام گزارشهای خود از نوامبر ۲۰۰۳ تا فوریه ۲۰۰۶ مکررا راستی آزمایی نموده که ایران به طور کامل آنچه رادر آن مقطع موافقت کرده بود تعلیق کند، تعلیق نموده است. در طی آن مدت کاملا روشن شد آنهایی که بر تعلیق اصرار می کنند در واقع هدفشان طولانی کردن مدت تعلیق با این هدف بود که نهایتا آنرا دائمی نموده و در نتیجه ملت ایران را از اعمال حقوق مسلم خود محروم کنند.
۵. تلاش برای الزام آور نمودن تعلیق از طریق شورای امنیت از همان ابتدا بر خلاف اصول بنیادین حقوق بین الملل، معاهده عدم اشاعه و قطعنامه های شورای حکام بوده است. قطعنامه های شورای امنیت که تعلیق را الزام آور نموده همچنین خلاف مواضع تصریح شده اکثریت غالب جامعه بین المللی است.
۶. بدون تردید با حل مسائل باقیمانده، با نتیجه گیری های مکرر آژانس مبنی بر اینکه در فعالیتهای هسته ای ایران انحرافی صورت نگرفته و با توجه به این واقعیت که فعالیتهای هسته ای ایران تحت نظارت کامل آژانس صورت می گیرد، هیچ بهانه ای برای درخواست غیر قانونی تعلیق باقی نمی ماند.
۷. تصمیم شورای امنیت جهت اجبار کردن ایران به تعلیق برنامه هسته ای صلح آمیزش همچنین نقض آشکار ماده ۲۵ منشور ملل متحد است. در حالی که اعضای ملل متحد قبول کرده اند که بر مبنای ماده مزبور تصمیمات شورای امنیت را قبول و اجرا کنند، اما شورای امنیت نمی تواند کشورها را مجبور کند که به تصمیمات این نهاد که با سوء نیت اتخاذ می شود گردن نهاده و یا درخواستهای این شورا را که با اصول و اهداف منشور ملل متحد مغایرند اجرا نمایند.
۸. ما به غنی سازی اورانیوم برای تامین سوخت راکتورهای هسته ای که در حال ساخت آنها بوده و یا در نظر داریم آنها را بسازیم تا نیازهای روز افزون کشور خود به انرژی را تامین کنیم، نیاز داریم. هیچگاه تضمینی وجود نداشته و نخواهد داشت که نیازهای ما به سوخت بهطور کامل توسط منابع خارجی تامین شود. هیچ کشوری به ویژه ملت ما که خاطره ای تلخ از لغو یکجانبه قرار دادهای معتبر توسط

کشورهای خارجی در این زمینه را دارد، نمی‌تواند صرفاً به دیگران برای تامین تکنولوژی و موادی که به طور روز افزون برای توسعه اقتصادی و رفاه ملتها حیاتی تر می‌شوند، تکیه کند. قابل توجه است که هیچ سند حقوقی الزام آور بین المللی برای تضمین دادن درباره تامین سوخت هسته‌ای برای نیروگاههای هسته‌ای وجود ندارد. لازم به ذکر است که در سال ۱۹۸۱ کمیته تضمین های تامین سوخت هسته‌ای آژانس بعد از ۷ سال مذاکره شکست خورد.

آقای رئیس؛

امروز شورای امنیت تصمیمی ناعادلانه و غیر منطقی درباره صلح آمیز هسته‌ای ایران اتخاذ نمود. در نهایت تاریخ در مورد رفتار این شورا قضاوت خواهد کرد. اینجانب به عنوان نماینده یکی از کشورهای بنیانگذار این سازمان، حتی بدون در نظر گرفتن اقدامات ناعادلانه شورا درباره ایران، از مسیری که شورای امنیت در پیش گرفته و تعقیب می‌نماید، عمیقاً ابراز نگرانی می‌نمایم. همه می‌دانیم که سازمان ملل متحد به عنوان نهادی جهانی باید محلی برای رسیدگی به مشکلات بین المللی و دفاع از حقوق ملتهای عضو در این دهکده جهانی باشد. شورای امنیت باید ذاتاً و به صورت مؤثر "شورایی برای امنیت" باشد، دستگاهی که وظیفه مهم حفظ صلح و امنیت بین المللی بدان محول شده است. شورا باید محلی امن و مطمئن یعنی جایی باشد که نه تنها حقوق ملتها در آن تضييع نشود، بلکه این حقوق کاملاً رعایت شود. آیا کسی می‌تواند مدعی شود که شورا وظایف خطیر خود را با حسن نیت و منطبق بر منشور ایفا نموده است؟ قطعاً پاسخ این سؤال مثبت نخواهد بود. مطمئناً اکثریت قاطع اعضای سازمان ملل متحد به جد نگران رفتار شورا هستند؛ رفتاری که شدیداً حیثیت و اعتبار این شورا را از بین برده است.

این سؤال مطرح است که حافظه تاریخی ملتها چگونه در رابطه با این نهاد مهم قضاوت خواهد کرد؟ همچنین این سؤال مطرح است که چرا با وجود جنایتهای رژیم صهیونیستی در سرزمینهای فلسطینی، جنایتهایی که دنیا را تکان داده و از سوی جامعه بین المللی، از جمله، به عنوان پاکسازی قومی، نسل کشی و جنایتهای جنگی توصیف شده، شورای امنیت از انجام هرگونه اقدامات مؤثری برای پایان بخشیدن به اینگونه جنایات باز مانده

است؟ چگونه است که شورای امنیت از صدور یک بیانیه مطبوعاتی ساده و یا حتی ابراز چند کلمه ساده در رابطه با آلام مردم فلسطین با توجه به جنایتهای وحشیانه روزمره رژیم اسرائیل به سرزمینهای فلسطینی به ویژه غزه که منجر به کشته و زخمی شدن صدها فلسطینی بیگناه طی چند هفته گذشته شده است، باز مانده است؟ بدون شک سکوت و عدم اقدام شورای امنیت در قبال جنایتهای رژیم صهیونیستی در گذشته منجر به هولوکاست فعلی در نوار غزه توسط این رژیم شده است.

مردم ایران هرگز بی تفاوتی و عدم اقدام شورای امنیت در قبال حمله صدام حسین به ایران در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ را که منجر به ۸ سال جنگ تحمیلی با تبعات و صدمات غیر قابل بیان گردید، فراموش نخواهند نمود. این اقدام تجاوزکارانه سبب نشد که برخی از همین اعضای دائم شورای امنیت که امروز برای صدور قطعنامه علیه ایران تلاش می کنند، حتی به خود زحمت داده و این تجاوز را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی تلقی نمایند یا حداقل خواستار آتش بس و عقب نشینی نیروهای متجاوز شوند. حتی همین شورای امنیت به خود زحمت نداد تا در قبال استفاده گسترده دیکتاتور سابق عراق از سلاحهای شیمیایی علیه نظامیان و شهروندان غیر نظامی ایرانی و نیز کردهای عراقی به ویژه در حلبچه حرکتی موثر انجام دهد- سلاحهای شیمیایی که توسط برخی از حامیان و بانیان قطعنامه امروز در اختیار صدام قرار گرفته بود. هیچ میزان از بیان قادر به توضیح نتایج فاجعه آمیز بسیاری از رفتارهای ناعادلانه شورای امنیت نیست. اینها تنها چند نمونه از موارد بیشماری است که نشان می دهند شورای امنیت به دلیل وجود نواقص ذاتی، ساختار فعلی و نیز مکانیزم رای گیری (حق وتو) قادر به اعمال وظایف خود نبوده است.

امروز اعتبار شورای امنیت بیش از پیش قربانی امیال سیاسی چند کشور خاص شده و مخدوش شده است؛ اغراض سیاسی که حتی سبب گردیده تا شورای امنیت گزارش و قضاوت ارگان فنی سازمان ملل متحد یعنی آژانس بین المللی انرژی اتمی را نیز بر نتابیده و نسبت به آن بی توجهی نماید. در حالی که آژانس بین المللی انرژی اتمی آشکارا بر صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران صحنه گذارده و بر حل و فصل تمام مسائل باقیمانده تاکید نموده است، برخی کشورها عمدا تلاش می کنند آژانس را که بخشی از نظام ملل متحد

است تضعیف نمایند. بنابراین به نظر می‌سد که شورای امنیت حتی هیچ ارزشی برای سایر نهادها و بخشهای سازمان ملل متحد نیز قائل نیست. در چنین وضعیتی آیا این نگرانی وجود ندارد که شورای امنیت حتی برای سایر نهادهای سازمان ملل نیز محل امن و مطمئنی نیست؟

رفتار شورای امنیت در تخریب حیثیت و اعتبار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صرفاً منافع آنهایی را تامین می‌کند که به دنبال نادیده گرفتن آژانس هستند، از جمله رژیم اسرائیل که با دارا بودن صدها کلاهک هسته‌ای جدی‌ترین تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای است. اقدام شورا منافع کسانی را تامین می‌نماید که هرگز موافق تقویت، استقلال و بی‌طرفی آژانس نبوده‌اند. حقیقتاً این یک مسئله‌ای جدی است.

آیا زمان آن نرسیده که شورای امنیت داوری نهادی را که بخشی از نظام ملل متحد است، محترم بشمارد؟ آیا زمان آن نرسیده که شورا حقوق مشروع یک ملت بزرگ با تاریخ و تمدنی طولانی را که همواره با سایر ملتها در همزیستی مسالمت‌آمیز زندگی کرده است، محترم بشمارد؟ حقوق مشروعی که مورد شناسایی حقوق بین‌الملل قرار گرفته و تحقق آن هیچگونه تهدیدی را متوجه صلح و امنیت بین‌المللی نمی‌نماید.

آنچه که جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کند اعمال حقوق خود بر اساس معاهده ان پی تی و تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است و نه چیزی بیشتر از آن. آیا این درخواستی نامشروع است؟ آیا عادلانه است کشوری را که بر طبق اصول و مقررات و طبق تعهدات خود رفتار می‌نماید، مورد اقدامات تنبیهی و فشار قرار دهند؟

و نهایتاً اینکه آینده امنیت جهان بستگی به این دارد که سازمان ملل متحد و به ویژه شورای امنیت تا چه حد عادلانه و بی‌طرفانه عمل می‌نمایند.

در واقع مردم دنیا اکنون اعتماد خود نسبت به شورای امنیت را از دست داده‌اند و اقدامات این شورا را نتیجه فشارهای سیاسی چند قدرت خاص برای پیشبرد مقاصد خود می‌دانند. این موضوعی بسیار مهم است که شورا باید برای اعاده اعتباری که از طرف منشور ملل متحد به آن اعطاء شده، به آن به طور جدی توجه کند.

با توجه به این واقعیات این سؤال مهم مطرح می شود که آیا هنوز می توان شورای امنیت را به عنوان "شورایی برای امنیت" دانست؟ یا می توان این شورا را یک ارگان بی طرف و معتبر سازمان ملل متحد تلقی کرد؟

من قضاوت را به اعضای محترم سازمان ملل متحد و مردم منصف دنیا وا می گذارم.